

انتخابات دوره هفدهم یزد؛ عرصه کشمکش نیروهای سیاسی

هادی حکیمیان

مقدمه

با اوج‌گیری جنبش ملی شدن صنعت نفت و همزمان زمامداری دکتر محمد مصدق، شهر یزد هم شاهد روزهایی پرپیامد و امید بود، چنانکه طبقه متوسط شهری و حتی توده های فرودست جامعه، انتخابات دوره هفدهم را بهترین فرصت برای تحقق آمال و آرزوهای خود دیده درصدد برآمدند تا با حمایت از گروه موسوم به آزادی خواهان و تحت رهبری برخی شخصیت های هوادار دولت ملی دکتر مصدق در برابر طبقه اعیان و اشراف و ملاکین؛ موسوم به گروه مرتجعین که عمدتاً هوادار سیاست های دربار و انگلستان و تحت امر دکتر هادی طاهری و کیل پرنفوذ و با سابقه یزد بودند قد علم نمایند. همین کاندیدا توری دوباره دکتر طاهری؛ تعزیه گردان و لیدر انگلوفیل های مجلس شورای ملی بود که انتخابات یزد را در نظر رجال و شخصیت های سیاسی حاضر در مرکز مهم جلوه گر می ساخت. دکتر طاهری از دوره چهارم (سال ۱۳۰۰ش) وارد مجلس شده و به استثنای دوره ۱۵ در تمامی ادوار آن حضوری موثر و منحصر به فرد داشت. وی که از مهره های مارک دار بریتانیا و شاخص ترین عامل تمدید قرار داد داری در سال ۱۳۱۲ ش بود رهبری فراکسیون مخالفان دولت مصدق و جنبش ملی شدن نفت را بر عهده داشت. از سویی آیت الله کاشانی که نامبرده را مانع بزرگی بر سر راه مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی مردم ایران می دانست درصدد برآمد تا با کمک روحانیون یزد مانع از ورود دوباره وی به مجلس شود. در راستای همین برنامه بود که عده زیادی از روحانیون و طلاب جوان یزد به پشتوانه رهبری آیت الله کاشانی و همسو و

هم جهت با گروه‌ها و شخصیت های هوادار دولت و نهضت ملی شدن نفت وارد عرصه شدند. گفتنی است حضور روحانیت، بازار رقابت های سیاسی را چنان ملتهب و پررونق ساخت که مردم این منطقه یک دوره بی نظیر را در حیات تاریخی خود تجربه نمودند.

ورود نماینده آیت الله کاشانی به یزد

چهارشنبه ۱۰ مهرماه ۱۳۳۰ (اول محرم ۱۳۷۱ ق) شیخ محمد احمدی روحانی جوان و پرشوری که وابستگی هایی نیز به گروه فدائیان اسلام داشت به نمایندگی از طرف آیت الله کاشانی وارد یزد شد. (روزنامه صدای یزد، شماره ۷۰، ص ۰۱) شیخ محمد احمدی که مورد استقبال گروه آزادی خواهان یزد یعنی هواداران دکتر مصدق و آیت الله کاشانی قرار گرفته بود در ایام عزاداری ماه محرم یک سلسله سخنرانی هایی را آغاز کرد که طی آن اغلب به مسائل سیاسی روز پرداخته و ضمن حمله به نمایندگان تحمیلی یزد در مجلس شانزدهم به ویژه دکتر طاهری و حسین کوراغلی ایشان و بستگانشان را مسبب تمام بدبختی های مردم معرفی می کرد. در این زمان انتشار پیام ها و اطلاعیه های متعدد از سوی آیت الله کاشانی و نیز علماء و هیئت علمیه یزد منبى بر تأیید و حمایت از احمدی موجب افزایش روز افزون نفوذ کلام وی در میان توده مردم گردید. به گونه ای که وی موفق گردید در اواخر مهرماه میتینگ بزرگی را با حضور چندین هزار نفر از اهالی در فلکه پهلوی و در حمایت از برنامه های آیت الله کاشانی و دکتر مصدق و بر علیه دکتر طاهری و باند حامیان وی برگزار کند. (روزنامه آتشفشان، شماره ۳۱، ص ۲) با توجه به فعالیت های گسترده احمدی و بر هم خوردن جو راکد یزد، شور و هیجانی در مردم ایجاد شد به ویژه که دولت مصدق از همان ابتدا با وعده برگزاری یک انتخابات آزاد و سالم به میدان آمده بود. تحت این شرایط بود که سازمان نظارت بر آزادی انتخابات توسط برخی اعضای گروه آزادی خواهان تشکیل و شروع به کار کرد. در اولین بیانیه این سازمان تأکید شده بود: «این سازمان خود را موظف می داند که از بروز هر گونه جریان ضد ملی در امر انتخابات جلوگیری نماید. این سازمان با توجه به مقتضیات محلی و شرایط جهانی با همکاری صمیمی و بی شائبه همه آزادی خواهان یزد نخواهد گذاشت که بار دیگر مناظر اسف انگیز انتخابات دوره گذشته تکرار گردد، صندوق آراء عوض شود، آراء به نام دیگری خوانده شود و اکثریت ساختگی تأمین گردد.» (روزنامه ناصر شماره ۶۳، صص ۲ و ۱) احمدی پس از یک ماه فعالیت و در حالی که فضای سیاسی شهر کاملاً به نفع نیروهای ملی و آزادی خواه عوض شده بود عازم تهران شد. وی سر راه چند روزی در نائین اقامت نموده و مشغول سخنرانی و تبلیغ شد. در این هنگام گروه موسوم به مرتجعین میدان را خالی دیده و درصدد فعالیت های گسترده ای بر آمدند. در مقابل نیز گروه آزادی خواهان که با رفتن احمدی عملاً خلع سلاح شده بودند خواهان بازگشت او بودند. در نهایت هم شیخ محمد صدوقی که اینک در قم ساکن بود طی تلگرافی به احمدی خواستار بازگشت مجدد وی به یزد و مبارزه بر علیه مرتجعین شد. احمدی ساعت ۴ عصر روز دوشنبه ۲۰ آبان ماه ۱۳۳۰ در میان استقبال پرشور مردم، روحانیون و اصناف بازار وارد شهر شد. وی در جهت مقابله با دسیسه چینی مخالفان طی اطلاعیه ای تأکید کرد: «ورود بنده به یزد باعث نابودی

مرتجعین و فرقه ضاله بهایی است و به یاری پروردگار تا این دو فرقه را نابود نکنم و برای همیشه ایادی عمال شرکت غاصب نفت را از سر مسلمین یزد کوتاه نکنم از پای نمی‌نشینم». (منظور الاجداد، ۱۳۷۹، صص ۴۶۸-۴۶۹). با نزدیک شدن موعد انتخابات، کارشکنی های مرتجعین بر علیه نماینده آیت الله کاشانی افزایش یافت؛ چنانکه احمدی در روز جمعه ۸ آذر ماه مقارن با ۲۹ صفر هنگامی که در معیت حدود سه هزار نفر از هوادارانش برای برگزاری میتینگ به طرف میدان امیر چقماق می‌رفت در نزدیکی فلکه پهلوی مورد هجوم عده ای اراذل و اوباش قرار گرفت که توسط مخالفان وی اجیر شده بودند. همچنین عده ای دیگر از پشت بام های اطراف شروع به سنگ پرائی به سوی ماشین حامل احمدی نمودند. (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۲۹۳/۲۲/۳۷/۶۶) در این هنگام جمع کثیری از دو طرف با سنگ و چوب و چاقو و زنجیر به جان هم افتادند به گونه‌ای که درگیری حدود دو ساعت ادامه داشت و در نهایت با دخالت پلیس و پس از تیراندازی و ضرب و شتم مردم، غائله پایان یافت. (روزنامه کار و کوشش، شماره فوق العاده، ص ۱) پس از این حادثه احمدی در حالی که زخمی شده بود با عده ای از هوادارانش به تلگراف خانه رفته و ضمن گزارش واقعه اخیر به تهران به نشانه اعتراض متحصن شد. (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۲۹۳/ ۲۲/۳۷/۵۱) در روزهای بعد آنچه که تا حدی از التهاب موجود کاست برنامه جدید دولت بود. از آنجا که دولت دکتر مصدق عزم جدی برای برگزاری یک انتخابات آزاد و سالم داشت در آستانه برگزاری انتخابات تمامی مسئولین دولتی را که در امر انتخابات دخیل بودند تعویض کرد تا شائبه هیچ گونه تقلب و اعمال نفوذ پیش نیاید. در راستای همین برنامه هم اکثر مسئولان شهرستان یزد تعویض شدند. در نیمه اول دی ماه حسن موثقی، سرهنگ شریفی و سرهنگ معیری به ترتیب به عنوان فرماندار، رئیس شهربانی و رئیس جدید ژاندارمری معرفی و منصوب شدند. (روزنامه طوفان، شماره مخصوص، ص ۴۳). هر چند که ورود مسئولان جدید و از جمله فرماندار موجی از شورش و امید را در میان مردم پدید آورد اما بعدها معلوم شد که دکتر طاهری با استفاده از نفوذ خود در وزارت کشور و سایر ادارات در گزینش و انتخاب افراد مذکور دخیل بوده است.

آیت الله خمینی و ترغیب روحانیت

از آغازین روزهای رقابت های انتخاباتی دکتر هادی طاهری، سید محمود جلیلی، حسین کوراغلی، دکتر رضا صحت و رضا صراف زاده به عنوان مهم ترین کاندیداهای گروه موسوم به مرتجعین مطرح بودند. در جناح مقابل یعنی گروه آزادی خواهان نیز سید علی اکبر موسوی زاده، عباس استادان، علی جناب زاده، سید علی ادیب رضوی، محمد حسین نواب و دکتر حسن مرشد فعال بودند. اما آنچه که شور و هیجانی زاید الوصف در میان توده های مردم و نیز روحانیون پدید آورد مطرح شدن نام شیخ مهدی حایری فرزند حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی در شمار کاندیداهای گروه آزادی خواهان و نیز انتشار نامه آیت الله خمینی خطاب به سید علی محمد وزیری از روحانیون مطرح و پر نفوذ یزد در حمایت از نامبرده بود:

بسم الله الرحمن الرحيم (بعد العنوان) ۱۳۷۱/۴/۱۸»

به عرض عالی می رساند انشاءالله مزاج محترم مقرون به سلامت و سعادت است. لایذ وضعیت مملکت و مفساد جاریه را می دانید. از طرفی نفوذ مخالفین دینت و از طرفی سرایت مفساد اخلاقی و اجتماعی در تمام طبقات به طور وحشت آور که تمام شئون دین و دنیای مسلمین را تهدید می کند و با این سهل انگاری مسلمین خصوصاً علمای اعلام، خدای نخواستہ اسلام با خطر بزرگی مواجه خواهد شد. در این موقع هم افکار متشنته اهل علم و بی نظمی وضعیت مسلمین، یکسره مهار کشور ممکن است از دست برود. در موقع انتخابات آقایان به فکر می افتند لیکن غالباً همیشه فکرهای دور از منطق و خالی از زمینه است و با این وضعیت با شکست مواجه می شدند. طبقه‌ی متدین در این ایام به فکر مسئله‌ی شرعی می افتند و تا در اطراف مسئله بحث کنند دیگران با فعالیت نتیجه را می برند و انسان نمی داند با این بی‌فکری و بیچارگی مسلمین چه کند. لیکن در این حال که حضرت آقای آقا مهدی آیت الله زاده‌ی حائری، دامت افاضاته، زیر این بار رفته‌اند و هیاهوی کاندیدای ایشان برای روحانیت عموماً و برای حضرات آقایان یزدی خصوصاً گران تمام می شود. ایشان زمینه‌های مساعدی دارند لیکن تأیید و تبلیغ حضرات آقایان خیلی موثر است. اگر چند نفر از قبیل ایشان در مجلس بروند ممکن است بتوانند قدم‌های بزرگی بردارند و یا لاقلاً از فسادها بکاهند. انتظار می رود که امثال جناب عالی کمک موثری بفرمایید. والسلام علیکم و رحمہ اللہ برکاته.

روح الله خمینی». (میر حسینی، ۱۳۸۲، ص ۸)

و اما متن اطلاعیه سید علی محمد وزیری در راستای اجرای توصیه آیت الله خمینی به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

«تاریخ ۱۳۳۰/۱۰/۱۲»

و لقد وصلنا لهم القول لعلهم يتذكرون

نظر به اینکه علاوه بر مرقومات مطلع‌ی آیات الله عظام که طبع و نشر گردیده از عده‌ی دیگری از حجج اسلام و علمای اعلام از جمله حضرت حجه الاسلام آقای حاجی سید روح الله خمینی و حضرت حجه الاسلام آقای آقا شیخ رضا آیت الله زاده‌ی صدر و حضرت حجه الاسلام آقای آقا شیخ محمد صدوقی یزدی، دامت برکاتهم، مرقوماتی به اینجانب رسیده که همه در مراتب فضل و علم و تقوا و لیاقت و شایستگی حضرت حجه الاسلام آقای آقا شیخ مهدی حائری آقا زاده‌ی محترم حضرت مستطاب آیت الله العظمی مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم یزدی، قدس سره، شاهد است و جامع همه‌ی مرقوماتی که تا کنون منتشر نشده، مرقومه شریفه‌ی ای است که از طرف حجه الاسلام آقای حاج سید روح الله خمینی، دامت برکاته، که از اعظام علما و شخصیت‌های بزرگ روشنفکر اسلامی و از مدرسین عظیم الشان حوزه‌ی مقدسه‌ی قم می‌باشند واصل گردیده و بعضی برادران ایمانی درخواست طبع و نشر آن را نموده‌اند لذا تعلیقه‌ی مبارکه را منتشر می‌سازد تا این در موقع حساس که حجج اسلام و آیات الله عظام، صلاحیت حضرت آیت الله زاده‌ی حائری را برای هفدهمین دوره‌ی مجلس شورای ملی تصدیق و انتخاب ایشان را تأکید فرموده‌اند، عموم برادران ایمانی از هر دسته و جمعیتی به تکلیف و وظیفه‌ی دینی خود واقف گشته

و در این امر حیاتی دینی و ملی به انتخاب معظم له قیام و اقدام فرمایند.

والسلام علی من اتبع الهدی سید علی محمد وزیری» (همان)

علی رغم امیدهای اولیه، عملکرد فرماندار جدید نشان داد که وی چندان هماهنگ و هم‌جهت با برنامه های دولت مصدق نیست. روز ۲۱ دی ماه بنا به دعوت قبلی فرماندار، شورای شهرستان تشکیل و در مورد مقدمات انتخابات بحث و تبادل نظر شد اما اخبار رسیده حاکی بود که فرماندار بنا دارد دوباره عده ای از افراد منتسب به دکتر طاهری و گروه مرتجعین را که در انتخابات‌های قبلی هم دخیل بوده اند برای تعیین هیئت نظارت دعوت کند. همین مسأله باعث شد تا در روزهای بعد احمدی و عده ای از هوادارانش در مقابل فرمانداری اجتماع کرده و به این تصمیم فرماندار اعتراض کنند. (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی شماره بازیابی ۲۹۳/۳۲/۷۴/۱۹)

شب اول بهمن ماه در منزل حاج میرزا محمد سر یزدی از علماء یزد جلسه ای با حضور فرماندار، عده ای از روحانیون و برخی سران گروه آزادی خواهان برگزار شد؛ در این جلسه روحانیون و سران آزادی خواهان تأکید داشتند که جهت تضمین سلامت و آزادی انتخابات عوامل دکتر طاهری و افراد منتسب به گروه مرتجعین نبایست برای تعیین هیئت نظارت دخالت داده شوند اما فرماندار زیر بار نرفته و در پایان اظهار داشت هر کس را بخواهد به جلسه فرمانداری دعوت می کند و حتی تهدید کرد که برای تأمین امنیت انتخابات نیروهای نظامی را وارد شهر خواهد کرد. در روزهای دوم و سوم بهمن مخالفت های احمدی و مردم بر علیه فرماندار و دیگر مسئولین شهرستان اوج گرفت. در این زمان شایع بود فرماندار از گروه مرتجعین رشوه گرفته و کاملاً گوش به فرمان دکتر طاهری و عوامل او می باشد. (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۹۸-۹۶/۱/۳۸/۲۹۳)

با جدی شدن بحث کاندید اتوری شیخ مهدی حائری، شیخ محمد صدوقی به سفارش عده ای از علمای قم و به ویژه شخص آیت الله خمینی برای تبلیغات و فعالیت به نفع حائری روانه یزد شد. نامبرده که جزو معتمدین آیت الله بروجردی بود در روز پنجشنبه سوم بهمن ۱۳۳۰ در میان استقبال پرشور مردمی که تا چند کیلومتری خارج شهر به پیشواز وی رفته بودند وارد یزد شد. (شهید آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی، ۱۳۷۷، مقدمه، صص پ و ت)

واقعه مصلی

با اوج گیری اختلافات گروه آزادی خواهان با فرماندار فضای شهر به شدت ملتهب شد به گونه ای که در ظرف مدت کوتاهی عده ای از نیروهای لشکر ۹ اصفهان و گارد شاهنشاهی برای حفظ انتظامات وارد شهر شدند. روز جمعه ۴ بهمن طبق اطلاع قبلی بنا بود تا دکتر حسن مرشد یکی از کاندیداهای آزادی خواهان در مصلی سخنرانی کند اما به دلیل عدم حضور به موقع وی عباس استادان از سر دسته های گروه آزادی خواهان رأس ساعت ۴ بعد از ظهر در مصلی حاضر شده و در حضور عده زیادی از مردم شروع به سخنرانی کرد. نامبرده از همان ابتدای کار به سران مرتجعین و نیز مسئولان به ویژه فرماندار حمله کرده

و آنها را همراه و همدست یکدیگر دانست. در مقابل مأموران شهرداری بنای اعتراض را گذاشته و اعلام کردند استادان به علت عدم اخذ مجوز از شهرداری حق سخنرانی ندارد اما فرد مذکور بی توجه به ایشان درصدد ادامه سخنرانی و حملات خود بود که همین امر هم باعث هجوم مأموران شهرداری به سوی تریبون شد. همزمان عده ای از مردم به دفاع از استادان برخاسته و با مأموران درگیر شدند. این درگیری باعث ورود نیروهای ژاندارمری، گارد شاهنشاهی و لشکر ۹ اصفهان به صحنه شد که در نتیجه تیراندازی ایشان سه نفر کشته و عده زیادی هم زخمی شدند. این درگیری که حتی در خارج مصلی هم ادامه یافت موجب ضرب و شتم عده ای با سر نیزه و باتوم شده و در نهایت با دستگیری و بازداشت تعدادی از اهالی و بعد از چند ساعت پایان یافت. (روزنامه حمل و نقل کشور، شماره ۱۰، ص ۲) روزهای بعد جنازه های قربانیان این حادثه توسط مردم تشییع شد و عده ای هم به تشویق احمدی در تلگراف خانه تحصن کرده و طی تلگراف هایی به تهران خواستار برخورد با مسببین حادثه شدند. همزمان عده ای از روحانیون یزد همچون سید علی محمد وزیری، حاج شیخ محمد قیومی، سید حسن واعظ، بابایی اهرستانی و... همراه و هماهنگ با احمدی در مجالس متعدد ضمن محکومیت واقعه مصلی به مسئولین شهر و علی الخصوص فرماندار و رئیس شهرداری حمله کرده و خواستار بازداشت و مجازات آنها شدند. لازم به توضیح است سر دسته های گروه آزادی خواهان، باند دکتر طاهری و سران گروه مرتجعین را محرکان اصلی این حادثه دانسته و همه حملات خود را متوجه ایشان می کردند اما علی رغم تلاش های آزادی خواهان و احمدی و نیز اعزام چندین بازرس از طرف دولت در نهایت هیچ اقدام موثری برای رسیدگی به واقعه مصلی نشد. (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره بازبایی ۲۹۳/۳۸/۱/۹۱)

در این میان دکتر طاهری هم در تهران به تکاپو افتاده و حتی شخصاً به دیدار شیخ مهدی حائری رفته و با تضمین پیروزی اش در انتخابات به او پیشنهاد داد که از جناح مقابل جدا شده و به وی بپیوندد اما حائری حاضر به جدا شدن از آزادی خواهان و پشت کردن به توده های مردم نشد.

از توقف جریان انتخابات تا ورود سرابندی

به دلیل ایجاد درگیری و زد و خورد، دولت انتخابات یزد را به تعویق انداخت، در همین حین توطئه چینی و فعالیت های گروه مرتجعین روبه فزونی نهاد به نحوی که شیخ محمد احمدی نماینده آیت الله کاشانی بعد از ۵ ماه حضور و فعالیت مستمر روز ۸ اسفند تحت فشار مخالفان یزد را ترک و روانه تهران شد. (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره بازبایی ۲۹۳/۳۸/۱/۹۱)

در اوایل فروردین ماه ۱۳۳۱ طلبه ای جوان به نام شیخ جلال الدین ترابی به نمایندگی از طرف آیت الله کاشانی و در حقیقت برای اتمام مأموریت احمدی وارد یزد شد. اما شرایط حساس و ملتهب موجود باعث شد که مسئولین شهرستان از برگزاری هر گونه میتینگ و تظاهرات جلوگیری کنند و حتی در روز ۱۱ فروردین واحدهای جدیدی از نیروهای لشکر ۹ اصفهان وارد شهر شد. (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره بازبایی ۲۹۳/۳۹/۷۶/۳)

عصر روز جمعه ۲۲ فروردین موسی سرابندی و سرهنگ حسین رفیعیان به ترتیب به عنوان بازرس عالی دولت و مأمور تأمین امنیت شهر جهت برگزاری انتخابات وارد شهر شدند. به علاوه در همین روز گردان جدیدی از نیروهای لشکر گارد شاهنشاهی وارد شهر شد. (روزنامه پرچم یزد، شماره ۹، ص ۴)

از صبح روز شنبه ۲۳ فروردین سرابندی با افراد و گروه های مختلف به ویژه نمایندگان آزادی خواهان در فرمانداری دیدار و گفتگو کرد. در این ملاقات ها آزادی خواهان ضمن شرح حوادث چند ماه گذشته اعتراضات خود نسبت به نحوه عملکرد مقامات شهرستان را بیان کردند. سرابندی هم برای ساعت ۶ عصر همین روز کلیه کاندیداها را برای مشورت در مورد نحوه تشکیل انجمن نظارت بر انتخابات به فرمانداری دعوت کرد. در این جلسه تقی مشیری، سید علی اکبر موسوی زاده، علی جناب زاده، رضا صراف زاده، سید محمود جلیلی، دکتر حسن مرشد، بمانعلی حسینی و همچنین تقی رسولیان به نمایندگی دکتر طاهری، جلال عسکری به نمایندگی افشاریه و یکی از روحانیون هم به نمایندگی از طرف شیخ مهدی حائری حضور داشتند. (علی محمد میر حسینی، ۱۳۸۵، ص ۲) در این جلسه کاندیداهای آزادی خواهان همچنان اصرار داشتند که هیچ یک از حامیان و وابستگان دکتر طاهری که در انتخابات های قبلی دخیل بوده اند نباید جزء لیست مدعوین فرمانداری باشند. به علاوه ایشان سرسختانه پافشاری می کردند که قبل از اتخاذ هر تصمیمی باید فرماندار و روسای شهربانی و ژاندارمری به عنوان مسببان اصلی واقعه مصلی تعویض شوند. (آرشیو سازمان اسناد ملی یزد، اسناد فرمانداری، اسناد انتخابات دوره ۱۷، اطلاعیه موسی سرابندی)

در این جلسه همه کوشش های سرابندی برای ایجاد نوعی وفاق و سازش بین طرفین بی نتیجه ماند و حتی با مشاجره لفظی موسوی زاده و صراف زاده جلسه به صورت نیمه کاره پایان یافت. سرابندی روز یکشنبه ۲۴ فروردین با عده ای از روحانیون ملاقات کرد که آنها برای چندمین بار مخالفت خود را با آغاز جریان انتخابات در شرایط موجود اعلام کردند اما از آنجا که انتخابات در اکثر شهرها پایان یافته و مجلس ۱۷ در آستانه افتتاح شدن بود، سرابندی طی اطلاعیه ای ۱۰۸ نفر از اعضای طبقات ۶ گانه را برای ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه ۲۵ فروردین به منظور تعیین اعضای هیأت نظار به فرمانداری دعوت کرد. (روزنامه صدای یزد، شماره ۸۶، ص ۱)

تحریم انتخابات

ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۲۵ فروردین اطلاعیه روحانیون یزد مبنی بر تحریم انتخابات در چاپخانه گلپهار چاپ و در سطح شهر منتشر شد؛

بسمه تعالی

بیانیه علماء

بعموم ملت اسلام و معتقدین بشریعت حضرت خیر الانام اعلام میداریم اینجانبان پس از سالها کناره گیری بر حسب اوامر مطاعه آقایان آیات الله و حجج اسلام قم و تهران و خراسان موید بنوید آقای دکتر مصدق در امر انتخابات دوره هفدهم مداخله نموده اکنون معلوم میشود که هیچگونه آزادی عمل نداریم لذا

لازم است که تا کسب تکلیف از مراجع تقلید و دستور ثانوی هیچگونه مداخله در موضوع انتخابات ننمایند. سر یزدی النجفی، الحاج شیخ محمود فرساد، صدوقی، جلال الدین ترابی، شیخ حسن واعظ، سید ابوتراب واعظ، مهدی لسان صدق، الحاج میرزا احمد هروی، الحاج شیخ محمد شریعتمداری» (آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دوره ۱۷، ک ۱۰۴، پ ۱، ص ۱۱۸)

با این رویکرد و تصمیم روحانیت با اینکه تعدادی از سران آزادی خواهان به جلسه فرمانداری دعوت شده بودند در این جلسه شرکت نکردند و تنها ۶۰ نفر از مدعوین که اکثراً هوادار دکتر طاهری بودند در جلسه مزبور حاضر شدند. بنابراین با حضور سرابندی اعضای اصلی و علی البدل هیأت نظار انتخاب شدند که طبعاً همگی از گروه مرتجعین بودند چنانکه سید محمود جلیلی یکی از کاندیداهای این گروه خود عضو هیأت نظارت بود. (روزنامه پرچم یزد، شماره ۹، صص ۴۱ و ۴۰) با رسیدن اخبار یزد به تهران دوباره آیت الله کاشانی به تکاپو افتاد و روز جمعه ۲۹ فروردین شیخ محمد احمدی وارد یزد شد. گروه آزادی خواهان و جمعی از مردم قصد داشتند به محض ورود او میتینگی را علیه روند انتخابات و نسبت به عملکرد سرابندی برگزار کنند اما سرهنگ رفعیان که مسئولیت تأمین امنیت انتخابات را بر عهده داشت ضمن صدور اطلاعیه ای برگزاری هر گونه میتینگ و تظاهرات و حتی استقبال از احمدی را خلاف قانون و موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی دانسته و خاطیان را تهدید به برخورد قانونی نمود. در نتیجه این فشارها احمدی همان روز مجبور به ترک یزد شد. پس از این بود که نیروهای نظامی و انتظامی در سطح شهر به گشت زنی پرداخته و با استقرار تعدادی مسلسل در خیابان و معابر مهم، فضایی امنیتی پلیسی بر شهر حاکم شد. (آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دوره ۱۷، ک ۱۰۴، پ ۱، صص ۱۲۰-۱۲۱) با توجه به تحریم انتخابات از سوی علماء و آزادی خواهان، عرصه انتخابات یکسره در اختیار گروه مرتجعین قرار گرفت و سران مرتجعین و پادوهای ایشان به مدد نفوذ خود و خرج کردن پول توانستند صندوقها را به نفع خود پر کنند. چنانکه آراء فقراء ساکن نوانخانه یزد و نیز جمع کثیری از شعربافها و کارگران کارخانه ها از یک تا پنج تومان خرید و فروش می شد. به علاوه شناسنامه‌های برخی مرده ها و یا کسانی که هنوز به سن قانونی نرسیده بودند برای رأی دادن مورد استفاده قرار گرفت. در بافق وضعیت به حدی بد بود که عده ای از مخالفان روند انتخابات توسط نیروهای نظامی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. (آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دوره ۱۷، ک ۱۰۴، پ ۱، صص ۸۳-۸۵)

دکتر جلال گلشن از قضات وقت دادگستری یزد که خود از خانواده های اعیان و یکی از مسئولان برگزاری انتخابات های یزد بوده می گوید؛ «من به مصالای یزد که محل رأی گیری بود رفتم و دیدم که مثلاً عده ای را از آبشاهی یا مریم آباد یا نصرآباد و... آورده اند و این ها که یکی چادر شب آبشاهی سرش بود و یکی کت سیاه و دیگری کلاه پوستی یا شال و قبای بلند و همین طور هر یک به شکلی می رفتند در جایی میان مصلی که انجمن نشسته بودند و رأی در صندوق می انداختند، بعد می آمدند بیرون. آقای سید حسین حیدری که خدا رحمتش کند، مرد خوش مشرب و با مزه ای بود. او کلاه این را به سر آن یکی و شال آن را به سر دیگری و کت این را به تن دیگری و قبای دیگری را بر تن آن که کت داشت و همین

طور دوباره آنها را گرییم می کرد و بر می گرداند به انجمن و باز رأی می دادند و می آمدند بیرون. این موضوع چند بار تکرار می شد تا نوبت به دسته دیگری می رسید و یکی دو روز همین بازی ادامه داشت و بعد روز سوم یا چهارم، خواندن آراء بود که می خواندند و یکی دو نفر هم می نشستند و روی کاغذ را علامت می زدند. چندین سال یکی از همین منشی ها بودم و چپ و راست علامت می زدم و بعد آراء خوانده می شد و اغلب اگر اسم حسن در می آمد، حسین می خواندند و مانعی هم نداشت! سرانجام روز آخر صورت مجلس می شد که آقای فلان با این قدر رأی به نمایندگی مجلس انتخاب شده اند و بعد انجمن نظارت و فرمانداری امضاء می کردند و به وزارت کشور ارسال می شد.» (جلال گلشن، ۱۳۸۴، ص ۱۲۷) با پایان انتخابات در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۳۱ و پس از شمارش آراء نتیجه انتخابات شهرستان یزد به شرح ذیل اعلام شد؛ از مجموع ۲۹۵۸۲ رأی مأخوذه، دکتر هادی طاهری با ۲۷۰۹۴ رأی، رضا صراف زاده با ۲۵۹۶۱ رأی و سید محمود جلیلی با ۲۵۸۴۷ رأی حایز اکثریت شده و به عنوان وکلای یزد به مجلس راه یافتند. ضمن اینکه صندوق میبید به علت گشوده شدن قبل از اعلام هیأت نظارت، باطل اعلام شد. (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، شماره ۲۱۳۳، ص ۲)

تجربه تلخ انتخابات دوره ۱۷ نشان داد که دولت دکتر مصدق علی رغم همه تلاش ها هرگز موفق نشد تا در برابر ایادی انگلستان و عوامل دربار بایستد و عملاً این ارتش و وابستگان دربار بودند که در حوزه های مختلف نتیجه انتخابات را رقم می زدند به گونه ای که در مجلس ۱۷ باز هم اکثریت با مخالفان مصدق بود. اما مردم که به مسائل پشت پرده سیاست ناآشنا بودند همه حوادث و وقایع رخ داده را از جانب دولت می دیدند و همین باعث دلخوری و ناامیدی ایشان از شخص دکتر مصدق گردید چنانکه پس از پایان انتخابات و قطعی شدن نتیجه آن محمد حسین ناصر شاعر و روزنامه نگار یزدی در قالب یک رباعی چنین سرود که؛

«آن رهبر ما که تالی گاندی بود ملت زنوید او به خرسندی بود
آن وعده انتخاب آزاد که داد سر نیزه و سرباز و سرابندی بود.»

منابع و مأخذ

کتاب‌ها:

۱. شهید آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی، یاران امام به روایت اسناد ساواک، چ دوم، به کوشش مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، حوزه هنری، ۱۳۷۷.
۲. گلشن، جلال، یزد دیروز، به اهتمام میرزا محمد کاظمینی، قم، صحیفه خرد، ۱۳۸۴.
۳. لاجوردی، حبیب الله، خاطرات دکتر مهدی حایری یزدی، تهران، کتاب نادر، ۱۳۸۰.
۴. منظور الاجداد، محمد حسین، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، تهران، شیرازه، ۱۳۷۹.

مقالات:

۱. میرحسینی، علی محمد، گفتگوی منتشر نشده با بمانعلی حسینی، روزنامه نگار و سیاستمدار دهه ۳۰ یزد، روزنامه بشارت نو، سال چهارم، شماره ۷۲، نیمه اول مهر ماه ۱۳۸۵.
۲. میرحسینی، محمد حسن، نامزدی حایری در انتخابات دوره هفدهم یزد، روزنامه سایه‌بان، شماره ۳۶، مورخ ۱۳۸۲/۴/۱۶.

روزنامه‌ها:

۱. آتشفشان، شماره ۳۱، مورخ ۱۳۳۰/۸/۴.
۲. پرچم یزد، سال اول، شماره ۹، مورخ ۱۳۳۱/۱/۲۶.
۳. حمل و نقل کشور، سال اول، شماره ۱۰، مورخ ۱۳۳۰/۱۱/۸.
۴. صدای یزد، سال دوم، شماره ۷۰، مورخ ۱۳۳۰/۷/۱۱.
۵. سال سوم، شماره ۸۶، مورخ ۱۳۳۱/۲/۱.
۶. عطوفان، سال دهم، شماره ۳۲۶، آذرماه ۱۳۳۸.
۷. کار و کوشش، سال اول، شماره فوق العاده، مورخ ۱۳۳۰/۹/۱۱.
۸. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۷، سال ۸، شماره ۲۱۳۳، مورخ ۱۳۳۱/۳/۲۲.
۹. ناصر، سال دوم، شماره ۶۳، مورخ ۱۳۳۰/۸/۱.

اسناد:

۱. آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
۲. آرشیو سازمان اسناد ملی یزد.
۳. آرشیو مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

منابع شفاهی:

۱. مصاحبه با حجه الاسلام سید احمد دعایی.